

کلمات مترادف

جهان افروز: روشن کننده‌ی جهان

دل انگیز: مطلوب

غوک: قورباغه

بر که: آبگیر

ایجاد کردن: پدید آوردن

آویخت: آویزان کرد

قشر: لایه

افکند: پرت کرد

داوری: قضاوت

ارغوانی: قرمز مایل به بنفش

انبوه: زیاد

جلا دادن: صاف کردن

گلگون: سرخ رنگ

سراغ: دنبال

زینت داد: تزیین کرد

تاب نیاوردند: تحمل نکردند

رمه: لایه

ضخیم: کلفت

نیلی: آبی تیره

چیره دست: ماهر

معرفت: شناخت خداوند

دریغ: حیف

پذیرفت: قبول کرد

نظاره کنند: تماشا کنند

مزارع: مزرعه‌ها

براق: بسیار درخشان

خبر داغ: خبر تازه

پراکند: پخش کرد

مهاجر: مسافر

پهنه: میدان، سطح

کردگار: آفریننده، خداوند

دمی: لحظه‌ای

جوی: بیاب، پیدا کن

کلمات متضاد

هست ≠ نیست

آهسته ≠ سریع

روشنایی ≠ تاریکی

شروع ≠ پایان

زیبا ≠ زشت

گرم ≠ سرد

متصل ≠ جدا

نهان ≠ آشکار

بهتر ≠ بدتر

کلمات هم خانواده

صبح، صبحگاه، صبحانه

جوی، جوینده

روشن، روشنایی

بقیه، باقی، باقیمانده

هنرمند، هنر‌نمای، هنر

طبیعت، طبع، طبیعی

سطح، مسطح، سطوح

اثر، تأثیر، آثار

معرفت، عرفان، معروف

تصویر، تصاویر، صورت

مهاجر، هجرت، مهاجرت

نهان: پنهان، مخفی

صبحگاه: هنگام صبح

ناپدید ≠ آشکار

سفید ≠ سیاه

سنگین ≠ سبک

سؤال ≠ جواب

نیکی ≠ بدی

تیره ≠ روشن

نازک ≠ ضخیم

براق ≠ کدر

دشوار ≠ آسان

مزارع، مزرعه، زراعت

نقش، نقاش، نقشه

هوشیار، هوش، باهوش

نخست، نخستین

زینت، تزیین

پهن، پهنه، پهناور

زیبا، زیبایی، زینت

منظره، نظر، ناظر

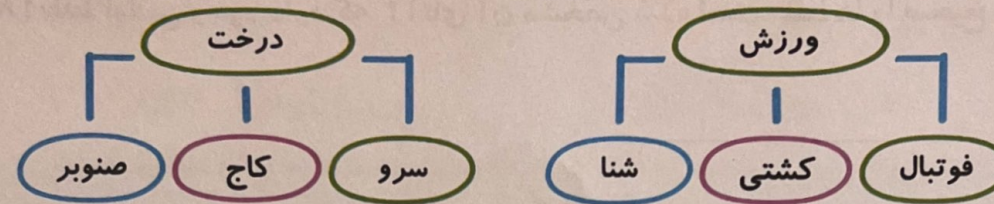
انتظار، منتظر

قشر، اقشار

تصمیم، مصمم

حالا به این مثال توجه کنید:

ورزش (فوتبال، کشتی، شنا) - درخت (سرو، کاج، صنوبر)



اسم مفرد و جمع

به کلمه‌ای که با آن انسان، حیوان و اشیا را نام می‌بریم «اسم» می‌گوییم.

مثال: برنا، فیل، کتاب

حالا اگر اسم برای یک انسان، یک حیوان و شیء باشد به آن مفرد می‌گوییم.

ولی اگر اسم برای چند انسان، چند حیوان یا چند شیء باشد به آن جمع می‌گوییم.

★ در فارسی از «ها» و «ان» برای جمع کردن استفاده می‌کنیم و به کلمه مفرد اضافه می‌کنیم.

مثال: کفش + ها ← کفش‌ها مرد + ان ← مردان

★ هرگاه نشانه‌های صدا دار (ا - اُ - ه - ه - ی - ی - و) خواستند کنار هم بیایند، برای جمع بستن، حتماً حرفی در بین این

نشانه‌ها قرار می‌گیرد که به آن حرف «میانجی» می‌گویند.

مثال: دانا + ان ← دانایان هنرجو + ان ← هنرجویان

★ بعضی از کلمات از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند، برای جمع بستن این کلمات از نشانه (ات) استفاده می‌کنیم.

مثال: حشره + ات ← حشرات تغییر + ات ← تغییرات

★ برای جمع بستن بعضی کلمات نشانه خاصی وجود ندارد که به آن‌ها جمع‌های مکسر می‌گویند.

مثال: مدرسه ← مدارس طفل ← اطفال